

بررسی چند سند مربوط به وقف «آب» و «فتات»

از دیدگاه
حقوقی و فرهنگی مردم

دکتر حایر عباسی

استاد هیئت‌مدیسین و فرهنگ عامه

دانشگاه تهران، دانشکده هنر

□ مقدمه:

مورد معامله قرار می‌گیرد.^۱ معذالک برای تنظیم آبرسانی به زمین‌های زیرکشت، تحریر «قباله»ها و «مصالحه نامه»ها ضرورت می‌یابد تا حقی از حقداری ضایع نشود.

بسیار هنگام، نبودن سند و اقرارنامه برای تقسیم و تسهیم آب، موجب کُودورت و تیرگی روابط خانوادگی و قومی می‌گردد. کما اینکه در یکی از افسانه‌های مربوط به وجه تسمیه شهر «خوانسار» درباره «آب» و بهره‌گیری از مجاری آن، چنین آمده است:

«... خوانسار، نخست روستای کوچکی بود برای اردوی تابستانی ناحیه گلپایگان. نهر آبی از آنجا می‌گذشت و به سوی «نیون» می‌رفت. روزی ساریانی به خوانسار آمد و راه آب را بست تا شترهای خود را سیراب کند. مردم نیون که از آب بی‌نصیب مانده بودند، آمدند و او را کشتند. ریش‌سفیدان محل نشستی ترتیب دادند و تصمیم گرفتند به جبران این قتل، هفته‌ای سه روز مردم خوانسار را از آب بهره‌مند سازند و بقیه روزهای هفته، مردم گلپایگان از آب استفاده کنند. رفته‌رفته خون ساریان به خوانسار مُبدَل شد.»^۲

مُسَلَّم اینکه در کنار مسایل فتنی مربوط به

تعاون در جامعه سُنتی، ضامن بقای زندگی اجتماعی است و نیاز به معاضدت و مساعدت افراد در تنظیم امور مربوط به نظام زیستی، انکارناپذیر می‌نماید.

در جامعه سُنتی روستایی، رمز پایداری جماعت در محدوده ملک و آبادی، به زمین زیر کشت و «آب» و شیوه‌های سُنتی کاشت، داشت و برداشت و «آبیاری» زمین زراعی وابسته است. در چنین موقعیتی، زمین باعث ماندگاری بزرگان و آب مایه حیاتی باروری زمین تلقی می‌گردد. تقسیم زمین به قطعات و... و تسهیم آب برای آبیاری کرت‌ها و مزارع و... به دراست و خبرگی اهل روستا بستگی دارد. و روش مرزبندی زمین‌های زراعی و تقسیم این زمین‌ها به «آبی» و «دیمی» و بهره‌یابی از آب باران مجتمع در برکه‌ها از یکسو و طُرق فتنی - سُنتی آبرسانی به مزارع از جانب دیگر، جملگی به تجربه کشتکاران مُتکی است. به‌خصوص اگر قطره‌قطره آب غنیمتی باشد و هرز رفتن آب در واقع تضییع حقی از کشاورزان در نظر آید، در این صورت آبراه و جوی و... به‌دقت و مهارت آب را به برکه‌ها و مزارع می‌رساند و هرچند خرید و فروش آب شرعاً جایز نیست و بنا بر سُنن و معتقدات دینی، مالکیت آب جنبه عمومی دارد و نه خود آب بلکه حق استفاده از مجرای آب،

آب و آبیاری سُنتی، فولکور زراعی و باورها و معتقدات محلی و شایست‌ها و ناشایست‌ها و آمد و نیامدها و... و پرهیز از حسد حاسدان و ترغیب به احسان نیز جایگاهی دارد و مقام و منزلت اجتماعی افراد در تنظیم قباله‌ها و اسناد مصالحه‌نامه‌ها در نظر آورده می‌شود.

ریش سفیدی گری و نفوذ معنوی و معتمد بودن، به برخی از افراد حق می‌دهد تا بر خرید و فروش «حق آبه» نظارت داشته و استشهاد و استعلام لازم را تنظیم و تأیید و به وقوع چنین امری، اقرار و اعتراف نمایند و به رسم بزرگواری و اعتماد، بر تحریر اسناد مربوط به عقود و قراردادهای سرپرستی کنند. نبودن مراکز رسمی برای حفظ و نگهداشت اسناد، ضرورت مراجعه به این رجال‌الخیر را در زمان گذشته، روشن می‌سازد.

هرچند خرید و فروش آب شرعاً جایز نیست و بنا بر سنن و معتقدات دینی، مالکیت آب جنبه عمومی دارد و نه خود آب بلکه حق استفاده از مجرای آب، مورد معامله قرار می‌گیرد. معذالک برای تنظیم آبرسانی به زمین‌های زیر کشت، تحریر «قباله»ها و «مصالحه نامه»ها ضرورت می‌یابد تا حقی از حقداری ضایع نشود.

نویسنده و کاتب این صلح‌نامه‌ها، خود خیره مردی است که به تجربه و به راهنمایی همان ریش سفیدان، نگارش عقدنامه‌ها و بنچاق‌ها را به عهده می‌گیرد. او آگاه است که به نام خدا و با استعانت از انبیاء و اولیاء، کتاب مستطاب را آغاز و مختوم به خیر بودن نامه را عنوان و با قید

تاریخ، قباله‌ها را به پایان برساند. و ضمناً سعد و نحس بودن و خوش‌یعنی و یا نحوست روزهای مُعین سال را در نظر گرفته و به مبارکی، متن قباله‌ها را تنظیم و تأیید گواهان و امضای شاهدان را در حاشیه نامه، ثبت نماید.

موقعیت خاص جغرافیایی ایران و کمبود آب در این سرزمین، یکی از اشتغالات جدی فکری برای ایرانیان بوده و چاره‌اندیشی برای نگهداری و حراست آب و پرهیز از آلودن آن، همواره مورد توجه قرار گرفته است. در گذشته مردم بنا به مصلحت، آب را بخش و بخش می‌کرده‌اند و «نوبت» و «حق آبه» مُعین می‌نموده‌اند و در حفر قنات، همیاری و تعاون را مد نظر قرار می‌داده‌اند. چراکه این عمل (حفر قنات) را در حقیقت از اعمال خیر و صدقات جاریه می‌دانستند. دستورات و قراردادهای عقدنامه‌هایی در حفر قنات و نگهداری آن‌ها و تقسیم آب، وجود داشته است. در حالیکه مردم همواره به خاطر افزونی آب، قادر سبحان را سپاس گفته و شیطان رجیم لعین را نفرین کرده‌اند. در این مورد به سندی از اسناد مُتعدد مربوط به حفر قنات در صحرای «محلّه چال» گلپایگان، در دوره ناصرالدین شاه قاجار نظری بیفکنیم:^۲

«... بعد از توکل به قادر سبحان و متان قدیم و استعاذه از شر شیطان رجیم لعین چون یک رشته قنات در صحرای محلّه چال را بعضی از فقراء و ضعفاء و جز آن باعث و بانی شدند که حفر نموده که در واقع از صدقات جاریه و باعث اجر دنیا و آخرت می‌باشد، لهذا بعد از مشاوره و استخاره کلام... مجید و سعادت خوبی استخاره شروع نموده، تقسیم نمودند و به دوازده قسم و سهم، به میمونتیت عدد دوازده امام علیهم السلام و نام هر قسمتی و سهمی را به دانگی موسوم نموده و به تفصیل ذیل که هر یک مالکین مُحقّ

قسمت مرقومه خود باشندی واحدی را نمی‌رسد که تغییر و تبدیلی و تصرفی در آن تقسیم و تسهیم نمایند. تفصیل قسمت، این است...»^۳

در جامعه سُنتی روستایی، رمز پایداری جماعت در محدوده ملک و آبادی، به زمین زیر کشت و «آب» و شیوه‌های سُنتی کاشت، داشت و برداشت و «آبیاری» زمین زراعی وابسته است.

بنا به این سند، علاوه بر حفر قنات و تقسیم و تسهیم آب، هرکسی از مالکان موظف به حفظ و حراست قنات گشته و مبلغی مین باب تنخواه برای نگهداری و حفر قنات باید در نظر بگیرد. این سند به تاریخ هفتم شهر شعبان‌المُعظم سنه ۱۲۷۶ و در دوازده نسخه تنظیم گردیده است. راقم این سطور، به دنبال تحقیقات گسترده‌ای که از سال‌ها پیش در مورد گردآوری اسناد و مدارک و بنچاق‌ها و... در زمینه مراتع عشایری ایران و قباله‌های مربوط به آبیاری سُنتی و... در روستاها، انجام داده است تا از دیدگاه مردم‌شناسی عشایری و جامعه‌شناسی روستایی به بررسی زندگی کوچ‌نشینان و روستاییان بپردازد.

آنچه پیش رو داریم، مطالبی است با توجه به جزئیات تنظیم چند سند و مواد مندرج در متن قباله‌ها و مصطلحات مخصوص خرید و فروش و واژگان حق آبه و نگرشی به واحدهای سنجش و نرخ مبادله و معامله آب و... در منطقه گلپایگان در گذشته و به‌ویژه دوره قاجار. توضیح اینکه مطالعه این اسناد و سندهای مشابه، روشنگر خصوصیات اجتماعی، لغات و اصطلاحات و بالاخره پژوهش در فرهنگ مردم

می باشد.

شیوه تنظیم سند:

عموماً اسناد معرفی شده در این مقاله، «مصالحه نامه» تلقی گردیده و «صیغه مبایعه» بالعربیّه و الفارسیه جاری و تنظیم شده است. کاتبان مصالحه نامه ها به شیوه خاصی که به سال های تمرین و ممارست در نگارش خط و تحریر و درست نویسی و آشنایی به «حساب سیاق» و انواع تقویم ها برای نگهداشت حساب ایام و روش تهیّه صورتجلسه و تخصیص حاشیه نامه ها به «مهر» و تأیید گواهان نیاز داشته اند. اسناد را مرتّب و القاب فروشنده و خرید در حق آبه و مقام و منزلت هریک از آنان و ضمناً اعتبار گواهان و شهود را در نظر گرفته و بنا به استحقاق هریک از آنان، الفاظ و یژه ای در شأن و رتبه بایع و مشتری و شاهد و شاهده و... بکار برده و در صورت نیاز به توضیح افزونتر و تکمیل مصالحه نامه، به «ظهن نویسی»^۴ قباله پرداخته و در تنظیم سند، مصالحه را «شرعیّه اسلامیّه» قلمداد کرده و تذکر داده اند که عموماً مصالحه بدون شائبه اکراه بلکه بالطوع و الرغبه و الرضا و الاراده و الاختیار و... صورت گرفته و «اصاله» یا «وکاله» انجام یافته است. همچنین متذکر شده اند که اسقاط خیار^۵ و غیره ها - سیما - خیار غین^۶ - واقعیه یا «فرضیه» است و بروز خلاف در صلح بر فرض تحقق و ثبوت مستلزم پیگیری و کشف فساد (فی الکُلّ او فی البعض) مستوجب رسیدگی است. در صورتی که وکیل و وصی مورد خطاب باشد، از «وکیل بلاعزل در حیات» و «وصی در ممات» نام برده شده و هر آنکس را که مقتید به مطالب مندرج در سند نباشد، نفرین و حاسدان را لعن و محسنین را دعا نموده اند.

به متن سندی در این مورد توجه فرمایید:

«... خداوند عالم به حق اولیاء... صلوات... علیهم اجمعین، موقّ سازد کسانی را که طالب امورات خیر می باشند و دنیا و آخرت سرافراز در این باشند کسان و اشخاصی که به ضرر مسلمان راضی نیستند. علاوه به نفع رسانیدن مسلمانان ساعی و جاهد می باشند. و آن شقّ دیگر کسانی که حسد می برند و منع فیض از برادران دینی خود می کنند، محشور شوند به حق خداوند با کسانی که منع قیض و آب از جناب خامس آل عبا گلگون کفن دشت کربلا جناب سیدالشهداء و اصحاب و ذریّه آن بزرگوار نمودند. چنانچه این محضر را هر کدام از شرکاء قنات مهر نکردند و منع کردند - معلوم است که آتش حسد و منع فیض در سینه ایشان (=طالبان امور خیر) در جمیع منابر کورهای و مساهله، مادام الحیوة بلکه نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن نخواهد شد. ان... لا یضیع اجر المحسنین».

ریش سفیدی گری و نفوذ معنوی و معتمد بودن، به برخی از افراد حق می دهد تا بر خرید و فروش «حق آبه» نظارت داشته و استشهاد و استعمال لازم را تنظیم و تأیید و به وقوع چنین امری، اقرار و اعتراف نمایند و به رسم بزرگواری و اعتماد، بر تحریر اسناد مربوط به عقود و قراردادها سرپرستی کنند.

لازم به تذکر است که در بیع و شری، فروشنده و خریدار - هر دو - باید جامع شرایط صحّت عقد باشند و کاتبان که عموماً از خود به عنوان «راقم الحروف» نام می برند، باید اکیداً از تنظیم سند برخلاف واقع پرهیز نمایند و کمترین اکراه و اجبار در عقود و کوچکترین

اشکال در اقرار شرعیّه وجود نداشته باشد چراکه سند با نام خدا و با سوگند به گواه بودن او شروع و صفات اخلاقی و خصوصیات شرعی و عرفی بایع و مشتری مطرح و با دعا به راستکاران و نفرین به نیرنگ بازان خاتمه می یابد.

افتتاح و اختتام مصالحه نامه:

الف - افتتاح (شروع) قباله ها:

عموماً قباله ها با نام خدا و ذکر اسماء الهی آغاز می شوند:

- بسم... الرحمن الرحیم - هو المالک بالاستحقاق.

- بعد الحمد و الصلوة.

- بسم... اشرف الاسماء.

- بعد از توکل به قادر سبحان و متّان قدیم و استعاذه از شرّ شیطان رجیم لعین.

- و... -

در نخستین سطر متن قباله، اغلب غرض از تحریر این «کلمات مستطاب» (مواد مربوط به مصالحه) مختوم به خیر و صواب را که به زیور صدق و صلاح و فوز و قلاح آراسته و پیراسته اند، خیرات با قیات دانسته و اعتبار قول و قرار را معتبر و گواهان را موثق شمرده اند.

ب - اختتام:

اکثر قباله ها با دعا در حق محسنین و نفرین به حاسدان و بدنظران، به پایان می رسند. قید تاریخ (... و کان ذلک تحریراً فی الشهر) همواره در پایان و اختتام اسناد به چشم می خورد.

ضمناً در تنظیم سند، اعتراف شهود به صحّت مصالحه و تأیید آن (با ذکر اعتراف واقر و...) در کنار مهر گواهان دیده می شود.

وجه رایج زمان را برای معاملات مطرح می‌سازد:

- نصف ریال ناصرالدین شاهی.
- ریال ناصرالدین شاهی.
- تومان.
- یک شاهی پول سیاه.
- دو هزار دیناری مظفرالدین شاهی.
- و....

واحد وزن:

- در برخی از قباله‌های مورد نظر، اوزان به شرح زیر معلوم شده است:
- دو مثقال وزن صیرفی.
- نخود.
- پنجاه درم گندم به وزن شاهی.
- و....

القاب بایع و مشتری و شاهد و شاهده و...

کاتب و راقم الحروف قباله‌ها، بنا به شأن و منزلت طرفین معامله و گاهی به رسم ادب و ملزم بودن به رعایت شیوه تحریر، القاب و حتی خصوصیات البایع و مشتری و... را قید می‌کرده است. نظیر:

- عالیجناب تقوی شعار.
- حضرت خیرالحاج، حاج الحرمین.
- جناب مستطاب و علام... فهام و....
- عالیجناب مقدس القاب، قدوس انتساب، غفران پناه.
- رضوان ثراب، عزت نشان، مرحمت پناه.
- خلف رضوان مکان، خلد آشیان.
- عالیجاه زبده الخواتین العظام (برای شاهده).

قید تاریخ در اختتام قباله‌ها:

اسناد تنظیمی در مورد مال المصالحه، همواره به قید تاریخ مشخص می‌شد تا زمان

سنجش مقداری آب و در نظر گرفتن ظرفیت زمین زراعی و بکار بردن واحد پول و واحد وزن در معاملات مربوط به سیراب کردن زمین از آب - در مناطق مختلف ایران - به شیوه مخصوص هر منطقه انجام می‌گیرد. در برخی از موارد، واحدهای سنجش مشابهتی باهم می‌یابند. در اسناد مورد مطالعه راقم این سطور (مربوط به منطقه گلپایگان) چهار نوع واحد اندازه‌گیری قید شده است:

- ۱ - واحد اندازه‌گیری زمین زراعی: در این بخش بخصوص از اصطلاح «جریب» و «قفیز»^۸ نام برده شده است.
- ۲ - واحد اندازه‌گیری آب برای زمین‌های زراعی:

سنجش پیاله‌ای زمان، هنوز هم در برخی از روستاهای گلپایگان مشاهده می‌شود.^۹ در روستای «وانشان» که در ۱۲ کیلومتری جنوب گلپایگان بر سر راه گلپایگان به خوانسار قرار گرفته، تا چندی پیش، سنجش زمان با پیاله انجام می‌گرفت. شیوه اندازه‌گیری با پیاله در اکثر نقاط ایران مرسوم است. سنجش آب با پیاله در روستاهای گلپایگان بشرح زیر است:

- زمان پر شدن هر پیاله از آب، ۶ دقیقه و ۴۰ ثانیه.

- هر ساعت، برابر با ۹ پیاله.

- هر طاق، ۳۶ پیاله برابر با ۴ ساعت.

- شبانه‌روز، ۶ طاق.

- مدار گردش آب، ۷ شبانه‌روز یکبار.

در قباله‌های مورد مطالعه، عموماً از «طاق» و «نیم‌طاق» مجری‌المیاه بحث شده و در یک «رسید» لفظ «شعیر»^{۱۰} نیز قید گشته است.

واحد پول:

توجه به نرخ عادلانه در مصالحه‌نامه‌ها، تذکر

مطالب مندرج در متن قباله‌ها، ضمن اشاره به تعاون و همیاری روستانشینان و ضرورت تقسیم آب و پرهیز از تبذیر، نشان می‌دهد که عموماً «نقل شرعی» در نظر گرفته شده و در بسیاری از موارد، حسب‌الارث، حق فروش آب به وارث و اگذار و فروشنده حق‌آبه فرضاً وارث فلان مرحوم است و حق‌آبه‌ای دارد و یا در حفر قنوات به صورت حقیقی یا موروثی سهم است و انتقال حق خود به دیگری را مجاز می‌داند و اختیاراتی در مورد مجاری آب و غیره دارد. هرچند با کمال تأسف، گاهی برای باریکه آبی، کدورت‌ها و تقار و کینه‌های خانوادگی بوجود آمده و استشهاد و استعمال و گواهی معتمدین ضروری می‌نماید تا چند خطی، قلمی فرمایند و اجر معنوی دریابند.

همفکری و همیاری و همقولی در

تقسیم آب و...

همیاری سنتی، مستلزم رعایت عهد و میثاق است. گاهی اقرار شفاهی قول و قرارها - از دیدگاه اخلاقی - معتبرتر از سند و قباله می‌نماید. هرچند بعضاً کذب و فساد کارساز می‌شود و قول شفاهی اعتباری نمی‌یابد و استشهاد و استعمال در کار می‌آید. در یکی از قباله‌ها چنین آمده است:

«... رشته هرانج^۷، به رضای گُل شرکاء [صورت گرفته]، بعضی از شرکاء خلف وعده و نقض مصالحه نموده، هرانجی حفر نموده... بی آنکه اذن یا انتقالات شرعی داشته باشد».

کاتبان - به سفارش ریش‌سفیدان - ضمن تنظیم اسناد، به سابقه برخورد با مسایل فوق‌الذکر سعی دارند که موارد فساد و پرداخت تاوان و غرامت را در برابر عدم انجام وعده قید نمایند.

اشاره:

معامله مُعین گردد. افزون بر نگهداشت حساب ایام به تقویم هجری قمری از تقویم تُرکی (دوازده حیوانی یا تاریخ تُرکان) و بروج دوازده گانه فلکی نیز بهره گرفته اند. هرچند در تحریر بعضی از قباله‌ها - در افتتاح و متن و اختتام - به هر سه تقویم توسل جسته و از شوال المکرم تا «تاوشان‌نیل» (= سال خرگوش) و نور (= گاو) و جوزا (= دویکر) و... نام برده‌اند.

کاربرد حساب سیاق در تنظیم اسناد و قباله‌ها:
در بعضی از قباله‌ها، اعداد مربوط به تاریخ، بعضاً به حساب سیاق نوشته شده و یا بهای آب و یا اوزان و... به شیوه سیاق‌نویسی به چشم می‌خورد.

مُهرها:

تمام قباله‌ها مهور به مُهر شهرد و گواهان است. برخی از مُهرها - مشخصات واقعی (نام، نام‌خانوادگی، لقب و...) شخصی را نشان می‌دهند و در بعضی دیگر، نام انبیاء و اولیاء - به یمن قداست نام آنان - حک شده است. ضمن اینکه نام خداوند ذوالجلال در آغاز جملگی قباله‌ها ذکر گردیده است:

- توگلت علی...!

- یا غفار الذنوب (= ای بخشنده گناهان)

- یا مُحَمَّد (ص) یا علی (ع)، یا حسن (ع)، یا

حسین (ع) یا اباعبد... حسین منی و انا من

حسین یا مُحَمَّد باقر (ع)، یا جعفر بن محمد بن

زین العابدین (ع)، یا امام رضا (ع) و...

- عبدالغفار الموسوی.

- الراجی ۱۱ فضل...!

- عبدالهادی.

- أقل الحاج الغفار و...

افزون بر خیررسانی آب به کشتکاران، گاهی طغیان بیش از حد آب رودخانه‌ها، زمین‌های زراعی را از حیث ارتفاع انداخته و نه تنها محصولات را هدر ساخته بلکه توان پرداخت مالیات و... به اولیای دولت و دیوان اهلی را از خسارت دیدگان ساقط نموده است. در یکی از اسناد مورد مطالعه، پانزده جریب ملکی یکی از کشاورزان مورد صدمه سیل قرار گرفته و تنظیم استشهاد و استعمال را موجب شده است. متن این سند چنین است:

«... استشهاد و استعمال می‌شود از عالیحضرات فضلا و علماء و عالیجاهان حکام و مباشرین بلده گلپایگان در باب اینکه پانزده جریب ملکی که عالیجناب فضایل ماب حاجی مُلاغفار گلپایگانی در گلپایگان داشت، این ایام به واسطه صدمه سیل که در بسیاری از بلاد خصوصاً آنجا اتفاق افتاده، بالمزه خراب و منهدم شده، بنحوی که از حیث ارتفاع افتاده و منبسط در او زراعت به هیچ‌وجه ممکن نیست. زحمت کشیده هرچه اطلاع دارند، قلمی دارند تا در نزد اولیای دولت فائده حجت بوده باشد و...»

ضمناً گواهان تأیید کرده‌اند که به واسطه این صدمه، صاحب زمین باید مورد مرحمت و بخشش قرار گیرد و از سوی دیگر خسارات وارده بر کسی است که «ذاکر جناب سیدالشهداء» می‌باشد. اگر اولیای دولت قاهره، احسانی درباره مشارالیه بنمایند، به‌جا خواهد بود. قابل توجه است که یکی از گواهان، ضرب‌المثلی در مورد روی آوردن مصائب به بعضی از افراد بی‌شانس بکار برده است:

«... بلی چون همیشه سنگ به درهای بسته می‌آید، بواسطه این صدمه سیل که به جناب حاجی وارد آمده، اگر اولیای دولت قاهره مرحمتی نمایند...»

بجا خواهد بود که از دیدگاه زیبایی‌شناسی و هنر نیز به «خط» و شیوه نگارش قباله‌ها، به دیده التفات بنگریم.

* پانویسها:

۱ - در کتاب شرح لعمه تألیف شهید ثانی آمده است که مردم در سه چیز شریک هستند:

- آب.

- آتش.

- علف بیابان.

به اعتقاد مردم - در قلمرو فرهنگ عامه - آب مهریته حضرت فاطمه (س) است و در ایام سوگواری و سالگشت شهادت حضرت امام حسین علیه‌السلام، مردم سینه‌زنان و بر سر کویان به تعجب از اینکه آب مهریته مادر آن حضرت بوده و امام حسین (ع) به اتفاق یاران در صحرای کربلا تشنه لب جان داده است، یاد می‌کنند و چنین می‌خوانند،

آب، مهرزهر، تو لب تشنه دهی جان

مصلحت بود ندانم چه در این کار قضا را

۲ - بنگرید به مقاله راقم این سطور تحت عنوان:

«آب، آخشیح بن مایه آفرینش و...»

مندرج در مجله چیستا، ش ۱، سال دوم، شهریور

۱۳۶۱، ص ۸۲ - ۱۰۱

۳ - سند شماره ۱.

۴ - پشت‌نویسی قباله‌ها و اسناد.

۵ - خیار = (به کسر خا) اختیار داشتن، صاحب

اختیار بودن.

۶ - غبن = (به فتح غ و سکون با) خدعه کردن و چیره

شدن در معامله، فریب دادن کسی در خرید و فروش.

۷ - هرانج = (به فتح ها و را) دهانه قنات که آب از

آنجا بیرون می‌آید و روی زمین جاری می‌شود، هرنج و

هر هنج هم گفته شده است.

۸ - قفیز = (به فتح قاف و کسر فا) مقدار یکصد و

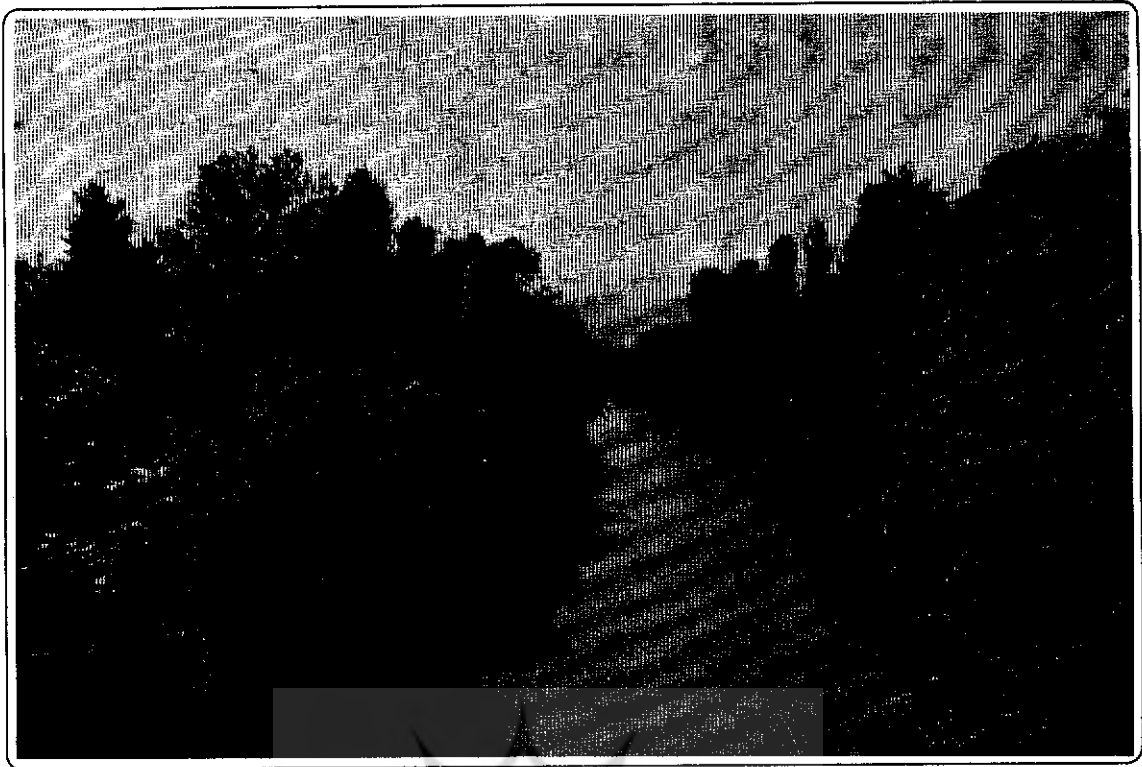
چهل و چهارگز از زمین. در فارسی کیفز و کویز هم گفته

شده است.

۹ - تلفظ محلی بیاله، پنگ (PENG) می‌باشد.

۱۰ - شمیر = $\frac{۱}{۱۶}$ دانگ. مقیاسی است برای آب.

۱۱ - الراجی = (به کسر جیم) امیدوار.





ماده دوازدهم

در صورتی که در این قرارداد چیزی در میان طرفین حاصل نشد و یا در صورتی که یکی از طرفین از اجرای این قرارداد انصراف دهد...

شماره سند در این قرارداد که در واقع از صحت آن بیرون آید باید از طرفین جهت تصدیق و استیفاء در صورتی که...

باست و اگر در این قرارداد چیزی در میان طرفین حاصل نشد و یا در صورتی که یکی از طرفین از اجرای این قرارداد انصراف دهد...

دکتر
...
...
...
...
...

در صورتی که در این قرارداد چیزی در میان طرفین حاصل نشد و یا در صورتی که یکی از طرفین از اجرای این قرارداد انصراف دهد...

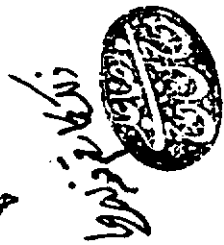
شماره سند در این قرارداد که در واقع از صحت آن بیرون آید باید از طرفین جهت تصدیق و استیفاء در صورتی که...

باست و اگر در این قرارداد چیزی در میان طرفین حاصل نشد و یا در صورتی که یکی از طرفین از اجرای این قرارداد انصراف دهد...

شماره سند در این قرارداد که در واقع از صحت آن بیرون آید باید از طرفین جهت تصدیق و استیفاء در صورتی که...

باست و اگر در این قرارداد چیزی در میان طرفین حاصل نشد و یا در صورتی که یکی از طرفین از اجرای این قرارداد انصراف دهد...

لسان حال
 وقت و کلمات کارزنی
 کن با عرض الطهر

چون بگزشت قلم و جمل امید که حضرت خود در این زمانه که در کنگره و طهری
 از اقل الله و لایحه امید از فتنه و حضرت نهاده و خود در آن زمانه که در کنگره و طهری
 و صانع بنا در زندگیا و فتنه که در طهری در شب و خود در آن زمانه که در کنگره و طهری
 اندر ادب و حکیم و صلح است و در هر عقیده خارج از آن که در کنگره و طهری
 نیز اقل الله و لایحه امید از فتنه و حضرت نهاده و خود در آن زمانه که در کنگره و طهری
 که از او بر خیزد از کنگره و فتنه که در طهری در شب و خود در آن زمانه که در کنگره و طهری
 با او که هر چه برسد بدین عزت و نام و با یکدیگر در شب و خود در آن زمانه که در کنگره و طهری
 داد و از عهد بر آید که در کنگره و فتنه که در طهری در شب و خود در آن زمانه که در کنگره و طهری
 که از او بر خیزد از کنگره و فتنه که در طهری در شب و خود در آن زمانه که در کنگره و طهری
 و تحمل نشود در عاقبت بر کل احوال و با یکدیگر در شب و خود در آن زمانه که در کنگره و طهری
 و جارت غیره که اخذ و تفسیر از حق و با یکدیگر در شب و خود در آن زمانه که در کنگره و طهری
 طمان در آن کنگره و فتنه که در طهری در شب و خود در آن زمانه که در کنگره و طهری

بر العبد
 الامیر کاظم
